

از میدان تا متن: بازخوانی چالدران در چشم مورخان دو امپراتوری



• حدیث روح پرور

چکیده

جنگ چالدران (۹۲۰ق/۱۵۱۴م) از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ اسلامی است که نه تنها موازنه قدرت میان دو امپراتوری صفوی و عثمانی را دگرگون کرد، بلکه مرزهای مذهبی، هویتی و سیاسی جهان اسلام را برای قرن‌ها شکل داد. پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی و با تکیه بر منابع تاریخ‌نگاری ایرانی و عثمانی، نشان می‌دهد که روایت این نبرد در دو سوی مرز، از دو جهان‌بینی کاملاً متمایز برخاسته است. تاریخ‌نگاری ایرانی-صفوی، شکست نظامی را از طریق مفاهیمی چون آزمون الهی، مرشدیت کامل و هویت شیعی بازتفسیر کرده و آن را به تراژدی‌ای معنوی بدل ساخته است؛ در مقابل، تاریخ‌نگاری عثمانی با استناد به فتوای جهاد و گفتمان مقابله با بدعت، این نبرد را مأموریتی شرعی برای تحکیم مشروعیت سنی معرفی کرده است. شخصیت قاضی‌زاده اردبیلی، مورخ ایرانی‌الاصل دربار عثمانی، نمونه‌ای برجسته از پیچیدگی‌های هویتی در این دوران است که نشان می‌دهد مرزهای فرهنگی و مذهبی الزاماً با مرزهای سیاسی منطبق نبوده‌اند. این مقاله نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری واقعه چالدران در هر دو سو، نه ثبت صرف وقایع، بلکه ابزاری برای بازتولید هویت، مشروعیت‌بخشی به قدرت و انسجام‌سازی داخلی بوده است.

واژگان کلیدی :

جنگ چالدران، تاریخ‌نگاری، صفویه، عثمانی، فتوای جهاد، قزلباش، قاضی‌زاده اردبیلی، ایران، تاریخ ایران اسلامی.

جنگ چالدران (۹۲۰ق/۱۵۱۴م) را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ ایران و عثمانی دانست که هم وزنه‌های سیاسی و نظامی را جابه‌جا کرد و هم بازتعریف‌های هویتی در دو سوی مرز را تسریع نمود. مطالعه تطبیقی روایت‌های ایرانی و عثمانی از این رخداد نه تنها به بازخوانی نبرد کمک می‌کند، بلکه مناسبات قدرت، نقش ادبیات مذهبی و نحوه کاربست مفاهیم دینی در فرآیند مشروعیت‌بخشی را آشکار می‌سازد. در این مقاله تلاش شده است تا با اتکاء به منابع دست‌اول و بازخوانی میراث روایت‌ها، چارچوبی تحلیلی ارائه شود که نشان دهد چگونه تاریخ‌نگاری، فراتر از ثبت وقایع، بازتاب جهان‌بینی‌ها و نیازهای سیاسی-ایدئولوژیکِ روایتگران آن است. بررسی تطبیقی گزارش‌های این جنگ در منابع تاریخی ایرانی و عثمانی نشان‌دهنده دو روایت کاملاً متمایز و برخاسته از زمینه‌های مذهبی و ایدئولوژیک این دو امپراتوری است. در تاریخ‌نگاری ایرانی، جنبه مذهبی جنگ درهم‌تنیده با هویت شیعی و قدرت معنوی شاه اسماعیل است؛ درحالی‌که تاریخ‌نگاری عثمانی بر مشروعیت سنی و تهدیدی که تشیع برای وحدت امت اسلامی پدید می‌آورد، تأکید دارد.

تفاوت در نحوه روایت جزئیات نبرد، استناد به فتواها و چگونگی برخورد با پیروان مذهب رقیب، از نکات مهم در مقایسه این دو رویکرد است. اگرچه جنگ با پیروزی عثمانی پایان یافت، اما پیامدهای سیاسی و مذهبی آن تا قرن‌ها بعد در جهان اسلام ادامه یافت و مرزهای مذهبی را تثبیت کرد.

زمینه تاریخی و مذهبی جنگ

در آغاز قرن شانزدهم، هر دو امپراتوری صفوی و عثمانی در فرایند تثبیت قدرت قرار داشتند. شاه اسماعیل با اعلام تشیع به‌عنوان مذهب رسمی و پیوندهای ایدئولوژیک متکی به تصوف و مفاهیم سنتی مانند «فرّ ایزدی»، تلاش کرد یک هویت مذهبی-سیاسی واحد برای قلمروی جدید خود بسازد. در سوی دیگر، عثمانیان، به‌ویژه نخبگان سیاسی و مذهبی دربار و علماء، تشیع را تهدیدی برای انسجام مذهبی و سیاسی امت سنی می‌دیدند. این مضامین دینی فراتر از یک اختلاف مذهبی صرف بودند؛ بلکه ابزارها و بهانه‌هایی برای تعیین مرزهای مشروعیت و نفوذ میان دو دولت به شمار می‌آمدند. از

روایت ایرانی از جنگ چالدران:

ترکیب مذهبی-معنوی و تحمیل معنا بر شکست
بر اساس منابع ایرانی، جنگ چالدران فراتر از نبردی نظامی، رویارویی دو ایدئولوژی مذهبی و سیاسی بود که هر یک در پی کسب هویت و مشروعیت بودند. شاه اسماعیل با تلفیق تشیع، تصوف و مفاهیم ایران باستان، مانند «فرّ ایزدی»، ایدئولوژی قدرتمندی برای سلطنت خود پدید آورد. او در نظر پیروانش نه‌فقط یک پادشاه، بلکه «مرشد کامل» و نماینده امام زمان (عج) تلقی می‌شد و با القابی چون «ولی‌الله» ستایش می‌شد.

در مقابل، نفوذ مبلغان صفوی (قزلباشان) در آناتولی عثمانی، چالشی جدی برای اقتدار سلطان سلیم بود. نفوذ آنان به‌قدری گسترده شد که سلطان عثمانی، پیش از آغاز جنگ، دستور قتل یا حبس حدود چهل هزار نفر از هواداران قزلباش را در قلمرو عثمانی صادر کرد.



این رو، جنگ چالدران نه‌تنها پیامدهای نظامی و سرزمینی داشت، بلکه از نظر مشروعیت‌بخشی مذهبی، تعیین مرزهای سیاسی-مذهبی و نوع برخورد با اقلیت‌های مذهبی نیز اهمیت ویژه‌ای یافت. در این پژوهش، از منابع تاریخی دست‌اول ایرانی همچون تاریخ عالم‌آرای عباسی و تاریخ شاه اسماعیل و نیز تواریخ آل عثمان و رسائل مذهبی عثمانی بهره گرفته شده است.

اگرچه ایران در این نبرد شکست خورد، اما نتایج پایداری از آن بر جای ماند:

• تثبیت هویت شیعی ایران: جنگ چالدران مرزهای جغرافیایی و مذهبی میان ایران شیعی و عثمانی سنی را مشخص کرد و ایران را به عنوان یک واحد سیاسی مستقل با هویتی شیعی تثبیت نمود.

• افول کاریزمای شاه اسماعیل: شکست چالدران، افسانه شکست ناپذیری شاه اسماعیل را در هم شکست و مشروعیت کاریزماتیک او به عنوان «سایه خدا» آسیب دید.

تاریخ‌نویسان صفوی این شکست را نه به عنوان ناکامی نظامی، بلکه «آزمونی الهی» تعبیر کرده‌اند. چنین تفسیری، شکست جنگی را به تراژدی‌ای معنوی بدل می‌کند که در آن، مرشد کامل از مسیر تقدیر الهی آزموده می‌شود.

روایت عثمانی از جنگ چالدران: فتوای جهاد و مشروعیت شرعی مقابله

تاریخ‌نگاری عثمانی نشان می‌دهد که ابعاد مذهبی جنگ در مشروعیت‌بخشی شرعی و سیاسی لشکرکشی سلیم اول نقشی محوری داشت. این جنگ در منابع عثمانی نه یک نزاع مرزی، بلکه «جهاد علیه بدعت‌گذاران» معرفی شده است.

سلطان سلیم پیش از حرکت به سوی ایران، از علمای سنی فتوای جهاد علیه قزلباشان را گرفت. در این فتوا، پیروان شاه اسماعیل به سبب باورهای شیعی افراطی، مرتد و کافر شمرده شدند و به همین دلیل، جنگ علیه آنان واجب دانسته شد. در نامه‌هایی که سلیم برای شاه اسماعیل فرستاد، او را به الحاد و فتنه‌انگیزی متهم می‌کرد.

از منظر عثمانی‌ها، فعالیت مبلغان صفوی در آناتولی تهدیدی برای امنیت و وحدت مذهبی امپراتوری بود. به همین سبب، سلیم پیش از آغاز نبرد دستور قتل ده‌ها هزار شیعه را صادر کرد تا «پاکسازی داخلی» پیش از جهاد خارجی انجام گیرد.

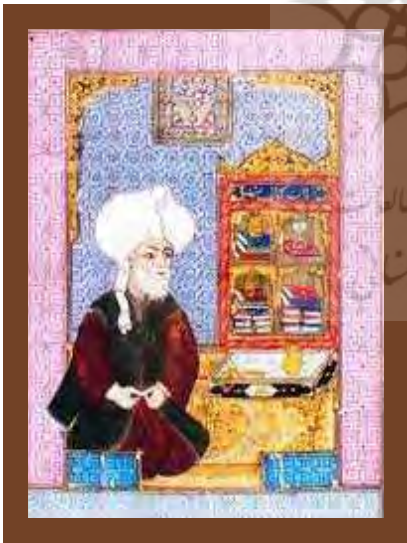
با وجود توجیه مذهبی، انگیزه‌های سیاسی نیز در پس این جنگ نهفته بود. قدرت‌گیری دولت صفوی و استقلال هویتی ایران، تهدیدی برای نفوذ عثمانیان در شرق محسوب می‌شد. در واقع، جنگ چالدران را می‌توان هم تقابل دو مذهب، و هم رویارویی دو شاخه

از ترکان-ترکان سنی عثمانی و ترکان شیعی قزلباش-دانست که بازتابی از پویایی‌های قومی آناتولی نیز بود.

با این حال، عثمانیان با ترسیم صفویان به عنوان «بدعت‌گذاران»، جنگ را مأموریتی شرعی جلوه دادند تا اهداف سیاسی و امنیتی خود را مشروع کنند.

یکی از نمونه‌های قابل توجه در تاریخ‌نگاری عثمانی، حضور قاضی‌زاده اردبیلی است؛ مورخ ایرانی‌الاصل دربار عثمانی که در کتاب غزوات سلطان سلیم خان گزارشی دست‌اول از این نبرد ارائه کرده است. اثر او به سبب مشاهده مستقیم صحنه‌ها و دقت در نقل جزئیات، حتی بر منابعی مانند بدائع‌الزهور ابن ایاس برتری دارد.

با وجود ستایش از سلطان عثمانی، قاضی‌زاده در برخی مواضع، گرایش‌های شیعی و ایران‌دوستانه خود را آشکار ساخته و در خلال متن، اشعاری منسوب به امام علی (ع) آورده است. گفته می‌شود همین گرایش‌ها سبب شد در مصر به فرمان سلیم اعدام گردد. این رویداد، پیچیدگی هویت مذهبی و فرهنگی در قلمرو عثمانی را نشان می‌دهد.



پیروزی عثمانی در میدان، پیامدهای قطعی و طولانی‌مدتی به دنبال داشت. از دیدگاه ایرانی، البته چیزی از ثبات داخلی و استمرار هویتی تشیع کاسته نشد؛ بلکه مرزهای مذهبی و سیاسی شفاف‌تر شدند و ایران صفوی در مسیر تثبیت خود به عنوان دولت-ملت شیعی قرار گرفت. از سوی دیگر، عثمانیان با استناد به «مسئولیت شرعی» خود، موقعیت خود را در قلمرو امت سنی تحکیم نمودند.

مضافاً، جابه‌جایی‌ها و اسارت‌های پس از نبرد، از جمله کوچاندن خبگان و هنرمندان ایرانی به دربار عثمانی، نقش مهمی در تبادل فرهنگی و نیز در پیچیدگی هویت‌های فردی و جمعی داشت. نمونه‌ی برجسته آن، قاضی‌زاده اردبیلی است؛ مورخی ایرانی‌الاصل که در دربار عثمانی به امر نگاشتن مشغول شد و هم‌زمان ردّ پاهایی از گرایش‌های شیعی و ایران‌دوستی را در آثارش منعکس کرد. سرنوشت او، نشان‌دهنده دشواری قرار گرفتن میان دو جهان‌بینی متضاد است و بازتاب‌دهنده‌ی مرزهای ناپایدار هویت در قلمروی امپراتوری‌های چندقومی. تحلیل تطبیقی چالدران مؤید این نکته است که تاریخ‌نویسی هرگز صرفاً ثبت وقایع «عینی» نیست؛ بلکه همواره در بستر جهان‌بینی مؤلف و نیازهای زمانه شکل می‌گیرد. روایت صفوی، این جنگ را دفاعی مقدس از استقلال و تشیع دانسته و شکست نظامی را به تراژدی معنوی تبدیل می‌کند؛ در مقابل، روایت عثمانی آن را جهادی علیه بدعت و تلاشی برای تحکیم قدرت و مشروعیت خود می‌داند. این دو الگو، ابزارهایی برای بازتولید هویت ملی و مذهبی فراهم آوردند و هر کدام متناسب با مخاطب داخلی خود، پیام‌هایی برای تثبیت نظم اجتماعی و سیاسی داشتند.

بررسی تطبیقی روایت‌های ایرانی و عثمانی از جنگ چالدران، چند نکته بنیادین را آشکار می‌سازد: نخست آنکه تاریخ‌نگاری هیچ‌گاه از ایدئولوژی و نیازهای سیاسی روایتگران خود مستقل نیست. منابع ایرانی با بازتفسیر شکست نظامی به مثابه آزمون الهی و لحظه‌ای از تبّیه معنوی، نه تنها از فروپاشی مشروعیت شاه اسماعیل جلوگیری کردند، بلکه هویت شیعی ایران را در برابر ضربه چالدران مصون نگه داشتند. این روایت، شکست را در دل یک چارچوب الهیاتی قرار می‌دهد که در آن، اراده خداوند فراتر از نتیجه میدان نبرد عمل می‌کند. در سوی مقابل، تاریخ‌نگاری عثمانی با ساختن روایت جهاد علیه بدعت، پیچیده‌ترین انگیزه‌های سیاسی و امنیتی را در قالبی شرعی ارائه داد. کشتار شیعیان آناتولی پیش از آغاز نبرد، با اتکا به همین چارچوب توجیه شد و این رویکرد، ابزاری کارآمد برای تثبیت مرکزیت سلطان در برابر تنوع مذهبی قلمرو عثمانی بود. دوم آنکه جنگ چالدران، علاوه بر پیامدهای سرزمینی، مرزهای هویتی را در دو سوی خود تثبیت کرد. ایران صفوی در مسیر تبدیل شدن به دولت-ملتی با هویت شیعی مستحکم قرار گرفت و این هویت، به تدریج از لایه‌های تصوفی و کاریزمای شخصی شاه فاصله گرفت و نهادی‌تر شد. عثمانیان نیز با این پیروزی، خود را متولی اهل سنت در برابر خطر صفوی معرفی کردند. سوم، سرنوشت قاضی‌زاده اردبیلی یادآور این واقعیت است که تاریخ‌نگاری گاه در میان دو جهان‌بینی متعارض قرار می‌گیرد و مورخ، آگاه یا ناآگاه، هویت‌های چندگانه خود را در متن منعکس می‌کند. اعدام او به دستور همان سلطانی که برایش می‌نوشت، نشان می‌دهد که مرزهای هویتی در دوران امپراتوری‌های چندقومی، پیوسته شکننده و مخاطره‌آمیز بوده‌اند. در مجموع، چالدران درسی بزرگ‌تر از یک نبرد نظامی دارد: نشان می‌دهد که معنای یک رویداد تاریخی، نه در خود آن رویداد، بلکه در روایت‌هایی نهفته است که قدرت‌ها برای خود و دیگران از آن می‌سازند.

منابع

- ۱- اسکندر بیگ منشی (۱۳۵۰). عالم آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، جلد اول، تهران: امیر کبیر.
- ۲- پاشا، لطفی (۱۴۴۰ ق.)، تواریخ آل عثمان، ترجمه محمد عبدالعاطی، قاهر: دار البشیر للثقافه و العلوم.
- ۳- پاشازاده، محمدعارف بن محمدشریف (۱۳۷۹). انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام: تاریخ زندگی و نبردهای شاه اسماعیل صفوی و شاه سلیم عثمانی، وقایع سال‌های ۹۰۵-۹۳۰ هجری، گردآورنده رسول جعفریان، قم: دلیل.
- ۴- فلسفی، نصرالله (۱۳۳۲)، جنگ چالدران، تهران: چاپخانه دانشگاه.
- ۵- کاتوزیان، همایون (۱۳۹۱)، ایرانیان دوران باستان تا دوره معاصر؛ ترجمه حسین شهیدی، تهران: نشر مرکز.
- ۶- محمد فرید بك المحامي (۱۹۸۱م)، تاریخ‌الدوله العلیه العثمانیه، تحقیق احسان حق، چاپ بیروت: دارالنفائس.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی